

بازرسی منازل، اماکن و اشیاء اشخاص در حقوق کیفری ایران با رویکرد به اسناد بین‌المللی

تاریخ دریافت: ۸۹/۳/۴

اکبر وروایی^۱ علی جهانگیرپور^۲

تاریخ پذیرش: ۹۰/۵/۲۰

حمید جربانی^۳ حمید هاشمی^۴

چکیده

با توجه به اینکه بازرسی و تفتیش به عنوان یک موضوع حقوقی، ارتباط تنگاتنگی با حقوق شهروندان یک جامعه دارد، لذا میزان آگاهی مسئولان بازرسی و تفتیش نسبت به قوانین و مقررات پراکنده و همچنین میزان آگاهی شهروندان نسبت به حقوق شهروندی، در این باره می‌تواند از اهمیت بسزایی برخوردار باشد. در این راستا، باید وظایف و اختیارات مقامات صلاحیت دار شفاف سازی گردد و قوانین و مقررات به نحوی آورده شود که به دور از هرگونه ابهام و پیچیدگی‌های حقوقی باشد. شیوه تحقیق در این مقاله، نظری و توصیفی است و با مطالعه کتابخانه‌ای انجام گرفته و اسناد مرتبط از جمله موافقتنامه‌ها و اعلامیه‌های حقوق بشر مورد بررسی قرار گرفته است. پس از بررسی قوانین مرتبط مشخص شد که حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص مصون از هرگونه تعرض است و این مصونیت به صراحت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین کیفری داخلی، منابع فقهی دینی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اعلامیه اسلامی حقوق بشر و سایر اسناد ملی و بین‌المللی به صراحت بیان گردیده است. قوانین کیفری داخلی هر یک به نوبه خود ضمانت اجراهای مطمئنی بر این مصونیت تعیین کرده‌اند تا حرمت منازل شهروندان و آسایش خانواده‌ها متزلزل نشود. بنابراین شایسته است قانون‌گذار در لایحه جدید آیین دادرسی کیفری، طرح حمایت از حریم خصوصی جسمانی را پیش‌بینی نماید تا خلاء قانونی، سبب نقض حقوق شهروندی از سوی مقامات قضایی و ضابطین دادگستری نشود و بلا تکلیفی آنان را نیز در نوع برخورد با متهمان به همراه نداشته باشد. در حال حاضر نیز، قبل از تصویب قانون مذکور، پیشنهاد می‌گردد: نیروی انتظامی با هماهنگی مقامات قضایی سعی نماید، تا وحدت رویه‌ای متن در زمینه توقّف و بازرسی خودروها ایجاد نماید، تا سبب تضییع حقوق اشخاص نگردد.

کلید واژه‌ها: بازرسی منازل/ اماکن/ حقوق شهروندی/ قوانین کیفری/ اسناد بین‌المللی.

۱- استادیار دانشگاه علوم انتظامی

۲- مدرس دانشگاه علوم انتظامی

۳- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

۴- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

مقدمه

دین مبین اسلام در ۱۴۰۰ سال پیش و قانون اساسی ایران در ربع قرن پیش بر رعایت حریم خصوصی افراد و ممنوعیت ورود به آن تأکید کرده است؛ به گونه‌ای که در اصول قانون اساسی، ممنوعیت بازرسی، ممنوعیت شنود و استراق سمع و... مورد تصریح قرار گرفته و برای برخورد با متخلفان از این اصول مسلم حقوق بشری، در قوانین‌های موضوعه مجازات‌های نیز پیش‌بینی گردیده است.

اسلام که زیربنای هر نوع تربیت و سازندگی را «انسان» می‌داند به کرامت و حرمت آدمیان اهمیت بسیار قائل است و حریم خصوصی افراد را با وسواس و باریک بینی فراوان پاس داشته است. در آیات قرآنی (آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور و ۱۱ و ۱۲ سوره حجرات) و نیز احادیث معصومان (ع) و همچنین در سخنان پیشوایان دینی، توصیه‌های فراوانی است که آدمیان را از ورود به حریم خصوصی افراد اکیداً باز داشته است. علاوه بر آن، ضرورت رعایت حریم خصوصی افراد در اسناد بین‌المللی، نظام‌های حقوقی اکثر کشورهای جهان و اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. اصل احترام به ارزش‌های انسانی و حفظ اعتدالی کرامت انسانی و رعایت حقوق افراد همراه با تأمین امنیت و آسایش آنان از جمله اصولی است که مورد پذیرش و تأکید قوانین اساسی کشورها و مبانی حقوق بشر قرار گرفته است. انسان‌ها همواره درصددند که بتوانند فارغ از هر گونه ترس از جان و مال و ناموس خود و با خیال آسوده و در آرامش و امنیت زندگی کنند، همه افراد بشر برای رسیدن به این آرامش همواره تلاش می‌نمایند و در سایه این تلاش‌ها، سازمان‌های بین‌المللی تشکیل و اعلامیه‌ها و موافقتنامه‌های حقوق بشری برای دفاع از حقوق بشر تدوین شده است.

در قرن حاضر بسیاری از اصول اساسی حقوق بشر و حقوق شهروندی از اصول بدیهی حقوق شناخته شده است، با این همه برخی دولت‌ها و قدرت‌های جهانی به راحتی این اصول را نادیده گرفته و به حقوق افراد تجاوز و تعرض می‌نمایند. یکی از مهم‌ترین این اصول، ممنوعیت بازرسی منازل، اماکن و اشیاء اشخاص در غیر موارد

پیش‌بینی شده در قانون است که به دلیل اهمیت و ابعاد گوناگون آن، در این مقاله ابتدا مبانی و مفهوم تفتیش و بازرسی بیان می‌شود سپس به بررسی مقامات صلاحیت‌دار و ضوابط و مقررات حاکم بر بازرسی منازل، اماکن و اشیاء اشخاص در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی خواهیم پرداخت و در پایان مقاله نیز ضمن نتیجه‌گیری، پیشنهاد لازم ارائه می‌شود.

مفهوم شناسی

بازرسی و تفتیش

بازرسی یا به معنای عربی تفتیش، عبارت است از عمل تجسس و تفحص که معمولاً در منزل شخص متهم به ارتکاب جرم و به وسیله مقامات قضایی یا نواب آنها به عمل می‌آید. (انصاری: ۱۳۸۱: ۲۶۸) بازرسی و تحقیق به موجب شق "و" بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران یکی از وظایف نیروی انتظامی به عنوان ضابطان دادگستری به منظور کشف آثار و دلایل جرم در اقامتگاه اشخاص در جهت اثبات جرم می‌باشد. بازرسی به معنای اخص به جستجو کردن اطلاق می‌شود و برای جستجو کردن لازم است اشیاء را جابجا کرده آن‌ها را تفحص نمود. بنابراین انجام بازرسی اساساً با جابجا کردن اسباب و اشیاء و با تفحص گنجه‌ها، آئینه‌ها، کسوه‌های میزها و البسه و با شکافتن دیوارها و محفظه‌هایی تخته‌ایی و غیر تخته‌ای بین سقف‌ها و دیوارها و حتی بازرسی عناصر مادی و معنوی شخصیت انسانی و نظایر آنان محقق می‌شود (همان: ۲۶۸)

بازرسی به عنوان عمل تجسس و کشف ادله و اشیاء مادی مربوط به جرم، در جریان یک تحقیق کیفری و ضبط و توقیف آن‌ها با سایر اقدامات مشابهی که موضوع آن‌ها نیز دخول به منازل است متمایز می‌باشد (همان: ۲۶۹) مانند:

- حق ورود به منزل به قصد دستگیری اشخاص موضوع دستگیری یا بازداشت.
- حق ملاحظه و معاینه اماکن عمومی که ورود به آن‌ها برای کارکنان پلیس به منظور بررسی و کشف جرم آزاد است.

- حق و به عبارت دیگر تکلیف انسانی و قانونی همه کارکنان پلیس و بلکه همه مردم برای دخول به خانه‌های مردم در مواقع خطر و اضطرار (سیل، زلزله و آتش سوزی) به قصد امداد، کمک و نجات جان و مال (ورود تأمینی و حفاظتی).
- تفاوتی که بین سه نوع ورود در مواقع خطر و اضطرار با ورود از نوع بازرسی وجود دارد، این است که: اولاً در هیچ یک از انواع ورود سه گانه؛ موضوع تفحص و تفتیش منازل مطرح نیست و ورود به منزل صرفاً به خاطر امداد و کمک و یا نگاه کردن معمولی و در صورت لزوم معاینه محل است، در صورتی که منظور و هدف بازرسی منزل، اصولاً جستجو، تفحص و تفتیش اشیاء، یافتن ادله جرم و ضبط و توقیف دلایل است.
- ثانیاً: اجازه انجام بازرسی به قضات و ضابطین دادگستری اختصاص دارد، در صورتی که سه نوع ورود یاد شده را سایر مأموران دولتی و حتی گاه افراد عادی نیز می‌توانند انجام دهند،

مبانی نظری

بازرسی و تفتیش

آزادی فردی از اصول مسلمی است که بشر قرن‌ها برای تحصیل و حفظ آن تلاش کرده است. اصل آزادی از ابتدایی‌ترین و مقدس‌ترین حقوق انسانی به شمار می‌آید و اصل احترام به مسکن اشخاص از اصل احترام به آزادی شخصی او ریشه می‌گیرد. احترام به اقامتگاه خصوصی و منازل اشخاص در قرآن کریم، منابع فقهی، ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصول ۹ و ۱۳ قانون اساسی سابق ایران و اصول ۲۲ و ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ و بسیاری از موافقتنامه‌های اروپایی، امریکایی و اسلامی حقوق بشر پیش‌بینی گردیده است. طبق اصول مزبور، حق مصونیت منزل یک اصل مطلق نیست بلکه در موارد کاملاً استثنایی، آن هم به هدف صیانت از حقوق جامعه در مقابل حقوق افراد، تحت شرایط مذکور در قانون شکسته می‌شود. با این توصیف، مقامات صلاحیت‌دار در امر بازرسی و ضوابط و

مقررات حاکم بر بازرسی منازل، اماکن و اشیاء اشخاص را در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی بررسی خواهیم نمود.

مقامات صلاحیت‌دار در امر بازرسی و تفتیش

تنها مقامات قضایی می‌توانند در صورت جمع بودن شرایط و در صورت ضرورت، دستور بازرسی و تفتیش از اماکن، منازل و... را صادر نمایند. هیچ مقام دیگری اعم از کشوری و لشگری هرچند که دارای سمت بالایی باشند حق صدور چنین دستوری را ندارند و در صورت لزوم بایستی از طریق مراجع قضایی مراتب را پیگیری نمایند. امر تفتیش و بازرسی منازل یا راساً توسط مقام قضایی انجام یا به ضابطان دادگستری محول می‌شود. اما باید پرسید چه مقاماتی صلاحیت اجرای امر بازرسی و تفتیش از منازل را به عهده دارند؟

۱) مقامات قضایی

بدیهی است صلاحیت ضابطان دادگستری در حفظ و جمع‌آوری آثار و دلایل جرم در جرایم مشهود نافعی صلاحیت مقامات قضایی نیست. ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مقرر می‌دارد: «ضابطان دادگستری پس از ورود مقام قضایی تحقیقاتی را که انجام داده‌اند به وی تسلیم نموده و دیگر حق مداخله ندارند، مگر به دستور مقام قضایی و یا مأموریت جدیدی که از طرف وی به آنان ارجاع می‌شود.»

به موجب مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مذکور، مقامات قضایی که صلاحیت صدور دستورات لازم برای حفظ آثار و دلایل جرم در جرائم غیر مشهود را دارند. عبارتند از: رئیس یا دادرس هریک از شعب دادگاه‌ها که پرونده توسط رئیس حوزه قضایی یا جانشین او به آنان ارجاع شده است. رئیس حوزه قضایی صرفاً به عنوان رئیس شعبه اول، دادگاه بعد از دستور ثبت پرونده در شعبه اول صلاحیت صدور دستورهای لازم برای حفظ آثار و دلایل جرم در جرائم غیر مشهود به ضابطان دادگستری را دارد. اما

به عنوان رئیس حوزه قضایی چنین اجازه‌ای را ندارد. جانشین رئیس حوزه قضایی که در اجرای ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری تحت شرایطی صلاحیت ارجاع پرونده به شعب دادگاه‌ها را دارند، به هیچ وجه مجاز به ارجاع مستقیم پرونده به ضابطین دادگستری برای حفظ آثار و دلایل جرم غیر مشهود، نیستند و البته در جرائم مشهود رئیس حوزه قضایی به عنوان رئیس ضابطان دادگستری قبل از ارجاع پرونده به شعب دادگاه‌ها می‌تواند دستورهای لازم را برای حفظ آثار و دلایل جرم را صادر کند و ضابطان مکلف به اجرای دستورهای صادر شده می‌باشند.

پس از اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، امر تحقیق بر اساس بند «و» ماده ۲ این قانون به بازپرس واگذار گردید. بر اساس بند مذکور، تحقیقات مقدماتی کلیه جرائم بر عهده بازپرس می‌باشد. (البته موارد ذکر شده در حال حاضر با توجه به بند ((د)) ماده ۳ در حوزه دادگاه بخش مصداق دارد) در جرائمی که در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری استان نیست، دادستان نیز دارای کلیه وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس مقرر می‌باشد. در مورد جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است دادستان تا قبل از مداخله بازپرس، اقدامات لازم را برای حفظ و جمع‌آوری دلایل و آثار جرم به عمل می‌آورد و در مورد سایر جرائم، دادستان می‌تواند انجام بعضی تحقیقات و اقدامات را از بازپرس درخواست نماید. بدون اینکه رسیدگی به امر را به طور کلی به آن بازپرسان ارجاع کرده باشد.

حسب تبصره الحاقی به ماده اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸ با ارجاع دادستان یا در غیاب وی، معاون دادسرا یا دادیار عهد دار انجام تمام یا برخی از وظایف و اختیارات قانونی دادستان خواهد بود. بدین ترتیب با احیای دادسرا، وظایف و اختیارات قضات تحقیق در حفظ و جمع‌آوری آثار و دلایل جرم و نیز تحقیقات مقدماتی، عملاً به بازپرس و دادیاران واگذار گردید.

الف) ضابطان دادگستری

به استناد ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری، مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند.

به عبارتی دیگر، ضابطان دادگستری مأموران نیروی انتظامی هستند که وظایف مذکور در بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی را به عهده دارند.

ضابطان قضایی

در مورد ضابطان قضایی می‌توان گفت: کسانی‌اند که علی‌رغم داشتن ابلاغ و پایه قضایی، وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری را دارا هستند. به عنوان مثال در قانون آ.د.ک. مصوب ۱۲۹۰ دادستان و بازپرس جزو ضابطان دادگستری بوده‌اند که این خود برگرفته از مقررات قانون تحقیقات جنایی قدیم فرانسه بوده است. ولی امروزه با توجه به قوانین موجود در کشور مخصوصاً ماده ۱۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸ به نظر نمی‌آید مقامات قضایی جزو ضابطان دادگستری باشند. در مورد بازپرسان هم هر چند که برابر شق ۳ بند ج ماده ۳ اصلاحی ۱۳۸۱ وقتی بازپرس شخصاً ناظر وقوع جرم مشهودی باشد می‌تواند مانند سایر ضابطان رأساً شروع به تحقیقات کند. اما بیان این مطلب صحیح نیست که بازپرس جزء ضابطان دادگستری باشد (ابوالقاسم پور، ۱۳۸۱: ۵۹).

سؤال دیگر این است که آیا کارکنان دادسرا ضابط دادگستری محسوب می‌شود یا خیر؟ می‌توان گفت در قانون ۱۲۹۰ این گونه بود ولی در قانون جدید اشاره‌ای به این موضوع نشده است. به طور کلی شاید بشود گفت در واقع از سال ۱۳۷۳ با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، دادستان‌ها و بازپرسان از شمار ضابطان دادگستری خارج گردیدند و دادن عنوان ضابط قضایی به آنها نیز چندان موجه به

نظر نمی‌آید. این نکته هم یادآور شویم که دکتر آخوندی نقش دادستان و بازپرس را به عنوان ضابط، یک نقش ثانوی و تکلیف فرعی دانسته است.

ضابطان غیر قضایی

دسته دیگر، ضابطان غیر قضایی‌اند که در واقع مأمورانی هستند که فاقد ابلاغ و پایه قضایی می‌باشند و وابسته به نیروهای نظامی و انتظامی و اداری کشور به سبب نوع وظیفه و مسئولیتی که دارند در حدود مقررات قانونی انجام وظیفه می‌نمایند. آخوندی آنان را به دو دسته تقسیم می‌نماید: ۱- ضابطان عام که صلاحیت رسیدگی به همه جرائم را دارند؛ ۲- ضابطان خاص که فقط در شرایط خاص و با تجویز قوانین مربوطه اجازه رسیدگی را دارند.

ب) ضابطان دادگستری از نظر لایحه جدید آیین دادرسی کیفری.

برابر ماده ۱-۱۲۱ لایحه جدید آیین دادرسی کیفری، ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، بازجویی مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.

طبق ماده ۲-۱۲۱ این لایحه، اشخاص زیر ضابط دادگستری محسوب می‌شوند:

الف) پلیس قضایی؛

ب) رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان؛

ج) سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آن‌ها محول می‌شود؛

د) مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.

تبصره: سربازان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوطه در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسئولیت تمام اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است.

برابر ماده ۳-۱۲۱ از این لایحه، احراز عنوان ضابط دادگستری، منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با سپری نمودن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، اعتبار قانونی ندارد.

شرایط و ضوابط حاکم در امر بازرسی و تفتیش

بازرسی و تفتیش منازل، اماکن، اشیاء و اشخاص خود تابع یک سری قواعد، اصول، شرایط و تشریفات خاص است. برای ورود به منازل مسکونی اشخاص یک سلسله شرایط ماهوی و شکلی وجود دارد که به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم.

۱- شرایط ماهوی

ورود به منازل مسکونی بدون درخواست و اجازه صاحب منزل وقتی جایز است که جرمی واقع شده و ظن قوی وجود داشته باشد که می‌توان متهم را در منزل مسکونی دستگیر کرد و یا این ظن وجود داشته باشد که دلایل و آثار و علائم جرم و یا آلات و ادوات آن را بتوان در منزل مسکونی یافت. در این گونه موارد، فقط مقام قضائی رسیدگی کننده به پرونده می‌تواند به منازل مسکونی افراد وارد شود و یا به ضابطان قوه قضائیه نمایندگی دهد تا این مهم را انجام دهند. اعطاء نمایندگی به ضابطان قوه قضائیه برای بازرسی منازل باید در موارد خاص و معین و برای زمان مشخص و معلوم صورت گیرد. اعطای نمایندگی برای تفتیش منازل افراد به طور مطلق و بدون تعیین مشخصات نماینده و محل مورد بازرسی و مدت و تعداد دفعات و موضوع آن با موازین حقوق بشر سازگار نیست. (آخوندی، ۱۱۷: ۱۳۸۰)

ریاست قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران طی بخشنامه شماره ۱۷۸/۱۲۶۷۰۰ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱ به کلیه مراجع قضایی کشور اعلام کرده است: «نظر به اصل بیست و دوم قانون اساسی و به لحاظ بخش آخر ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ که: «تفتیش منازل و اماکن» در جرائم غیرمشهود به توسط ضابطین را مستلزم اجازه مخصوص مقام قضایی دانسته است. در مواردی که به موجب دلایل، ظن قوی به وجود متهم یا کشف آلات و مدارک جرم در محلی، بازرسی «منازل» را ایجاب نماید، نحوه اقدام باید بر اساس مقررات فصل سوم قانون اخیر صورت گیرد و از بازرسی در غیر موارد مهم و نیز تفویض نمایندگی‌های مطلق و کلی اجتناب گردد، اجازه بازرسی و اعطای نمایندگی به ضابطان در مورد خاص هم باید پس از اعلام وقوع بزه و در زمان و مکان بازرسی، مشخصات نماینده و حدود مأموریت او، درج گردد تا در موقع مراجعه مأمورین به محل، در صورت مطالبه صاحب خانه یا متصرف آنجا بتوانند مدرک مثبت سمت نمایندگی و اقدام قانونی خود را، ارائه دهند. تخلف از مدلول قوانین و اقدام خارج از ضوابط قضات، موجب مسئولیت آنان می‌گردد و دادرسی انتظامی قضات، متخلف را مورد پیگرد انتظامی قرار خواهد داد.»

۲- شرایط شکلی

تفتیش و بازرسی منازل منوط به رعایت تشریفات خاصی است و بایستی آن شرایط رعایت شود. عمده ترین مواردی که از حیث شرایط شکلی بایستی مدنظر قرار گیرد عبارتند از:

الف- وجود دلایل و قراین کافی

به استناد ماده ۹۶ ق.ا.د.د.ع.ا در امور کیفری، بازرسی منزل در مواردی به عمل می‌آید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم، در آن محل وجود داشته باشد و به استناد نظریه شماره ۶۴۶۶/۷ مورخ ۱۳۷۸/۹/۱۳. ا. ح.

ق: بازرسی منازل مسکونی اشخاص در صورتی وجاهت قانونی دارد که ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در محل وجود داشته باشد، تشخیص این امر به عهده قاضی رسیدگی کننده است. این ماده جایگزین ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی سابق است و در آن قانون فقط به تفحص در منازل اشاره شده بود اما ماده ۹۶ سایر اماکن و اشیاء را هم به منازل ملحق کرده است. در تکمیل مقررات این ماده باید به مقررات ذیل ماده ۲۴ نیز توجه داشت که تفتیش منازل و اماکن و اشیاء را منوط به اخذ اجازه مخصوص مقام قضایی کرده است و حتی دستور انجام تحقیقات به صورت کلی از طرف مقام قضایی کفایت نمی‌کند.

ب- انجام بازرسی منزل در حضور متصرفان قانونی و شهود تحقیق

بر اساس مفاد ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، تفتیش و بازرسی در حضور متصرف قانونی و شهود تحقیق و در غیاب وی در حضور ارشد حاضران به عمل می‌آید. تفتیش و بازرسی اماکن نیز حتی المقدور با حضور صاحبان یا متصدیان آنها انجام می‌شود.

تبصره- هرگاه در محلی که از آن تفتیش و بازرسی به عمل می‌آید کسی نباشد و تفتیش و بازرسی نیز فوریت داشته باشد، قاضی می‌تواند با قید مراتب در صورت جلسه، دستور باز کردن محل را بدهد.

از دیگر شرایط و تشریفات مربوط به بازرسی، می‌توان به حضور اشخاص معین (متصرفان قانونی و شهود تحقیق و...) در هنگام بازرسی نام برد.

معمولاً قوانین معین می‌کنند که چه اشخاصی باید در امر بازرسی منزل و محل شرکت داده شوند. این اشخاص عبارتند از: متصرف قانونی، شهود تحقیق، ارشد حاضران و هر کسی که قاضی تحقیق حضور وی را در محل و زمان بازرسی ضروری می‌داند. بازرسی باید در حضور متصرف قانونی انجام شود، در صورتی که او در محل حاضر نباشد یا نخواهد حاضر شود به جای او شخص صاحب اختیار در بازرسی شرکت می‌جوید و اگر چنین شخصی وجود نداشت، والدین یا اقربای صاحبخانه نقش

اورا ایفا خواهند کرد. چنانچه اشخاص اخیر نیز غایب بودند بازرسی در حضور دونفر شاهد صورت خواهد گرفت.

ج - حضور ذی نفع

برابر ماده ۹۹ همان قانون در حین بازرسی منازل و اماکن حضور اشخاصی که در امر جزائی دخیل هستند می‌توانند در موقع تفتیش و بازرسی حاضر باشند ولی سایر اشخاص نمی‌توانند داخل شوند مگر با اجازه متصرف قانونی.

د- زمان بازرسی منزل

مطابق ماده ۱۰۰ قانون مزبور، بازرسی منازل در روز به عمل می‌آید و هنگام شب در صورتی انجام می‌گیرد که ضرورت اقتضا کند. دلیل ضرورت را قاضی باید در صورت مجلس قید نماید. بر اساس نظریه ۷/۱۰۳۳۸ - ۱۳۸۱/۱۲/۳. ا. ح. ق: با توجه به صراحت ماده ۱۰۰ ق. آ. د. ک. ۱۳۷۸ برای انجام تحقیقات و ورود به منزل و تفتیش جهت تعقیب متهمان بین روز و شب تفاوتی نیست، ولی در این گونه موارد به لحاظ رعایت حال خانواده و حفظ حرمت مسکن اشخاص بهتر است در موقع روز انجام پذیرد مگر در صورت ضرورت که تشخیص آن نیز با دادگاه بوده و در صورت مجلس باید قید گردد. این اصل که بازرسی منازل به طور کلی در روز یا ساعات معینی که قانون‌گذار تعیین کرده به عمل آید، همان اصل مصونیت مطلق اقامتگاه از بازرسی - های شبانه است و بدان معنا نیست که بازرسی غیر منازل در شب مجاز است چه این که در غیر منازل برای بازرسی در شب نیز جوازی وجود ندارد.

منظور از روز به صراحت ماده ۱۲ قانون مجازات مرتکبان قاجاق و بند ۳۸ ماده یک آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی «هنگام طلوع آفتاب تا غروب آفتاب» و شب «از غروب تا طلوع آفتاب می‌باشد. چنانچه قاضی، تفتیش و بازرسی منزل در شب راتجویز نماید، جهت، علت و ضرورت تفتیش و بازرسی را بایستی قید کند، چنانچه ضرورتی وجود داشته باشد قاضی موظف است دستور تفتیش شبانه بدهد و حق

ندارد آن را تا حلول روز به تأخیر اندازد. جهت ضرورت به تشخیص قاضی است و این جهت در جرائم مختلف، متفاوت می‌باشد، اما قاضی باید در تعیین ضرورت دقت کافی داشته باشد و به همین دلیل است که ضرورت تفتیش شبانه باید در صورت مجلس قید شود تا چنانچه قاضی مرتکب تقصیر یا اهمالی گردد، قابل تعقیب انتظامی باشد. جهت و علل بازرسی شبانه را می‌توان به شرح ذیل دانست:

۱- بازرسی منزل بر مبنای رضایت صاحب‌خانه؛

۲- بازرسی منازل در موارد فوق العاده مانند بلایای طبیعی (زلزله، آتشفشان،

سیل و...).

ه- لزوم تعیین موضوع مورد بازرسی

به منظور پیشگیری از تضییع حقوق افراد و همچنین جلوگیری از سوء استفاده عوامل بازرسی در حکم قضایی صادره از سوی مقام قضایی باید لزوم تعیین موضوع مورد بازرسی قید گردد تا اینکه ضابطان دادگستری دقیقاً از تکلیف و حدود و اختیارات خود مطلع شده و بدون هیچگونه ابهامی در قلمرو موضوع مورد حکم اقدام به بازرسی منزل نمایند. گاه مشاهده شده است که مأموران با حکم قضایی مربوط به بازرسی منزل افراد که به صورت کلی صادر شده و موضوع آن مشخص نگردیده است، به محل مورد بازرسی وارد می‌شوند و بدون هیچ گونه محدودیتی اقدام به بازرسی‌های متعدد می‌نمایند. به عنوان مثال در نمایندگی قضایی اعطایی به ضابطان دادگستری در انجام بازرسی منزل افراد، باید مشخص گردد که بازرسی منزل به چه منظوری می‌باشد، اگر بازرسی منزل به منظور دستگیری متهم یا مجرم مخفی شده می‌باشد، مأموران پس از دستگیری و یا حصول اطمینان از عدم حضور متهم در محل مورد بازرسی منزل به منظور کشف اموال مسروقه از قبیل لوازم خانگی حق ندارند اسناد و مدارک شخصی و آلبوم خانوادگی و البسه داخل کمد و ... افراد را مورد بازرسی قرار دهند. (رضوی، ۱۳۸۰: ۱۷۳)

و- عدم افشای مضمون و محتوای اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیاء متهم که ارتباط با جرم ندارد

بر اساس مفاد ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری از اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه که راجع به واقعه جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می‌شود و قاضی مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیای متعلق به متهم با کمال احتیاط رفتار نماید و موجب افشای مضمون و محتوای آنها که ارتباط به جرم ندارد، نشود. از طرفی ممکن است نوشته‌ها متعلق به متهم نباشد بلکه مربوط به جرم باشد. چنین موردی مشمول ظاهر این ماده نمی‌شود اما با توجه به اینکه قاضی باید تمام مساعی خود را مصروف کشف جرم نماید در این مورد نیز حق تحصیل نوشته یا شیء را دارد با این قید که باید مواظب باشد که مضمون آن افشاء نشود مگر در موارد که ضروری باشد. در صورتی که در محل مورد بازرسی اسنادی یافت شود که مربوط به جرم متهم نیست ولی دلالت بر ارتکاب جرم دیگری دارد، موضوع مشمول ماده ۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد.

برابر ماده ۷۷ ق.آ.د.ع.ا در امور کیفری چنانچه ضمن تحقیق، قاضی دادگاه جرم دیگری را کشف نماید که به جرم اول مربوط نیست در صورتی که شعبه دادگاه منحصر به فرد باشد به آن جرم نیز رسیدگی می‌نماید و چنانچه شعب دادگاه متعدد باشد اقدامات لازم را موافق قوانین برای حفظ آثار و امارات جرم مکشوف و جلوگیری از فرار متهم به عمل آورده و مراتب را به رئیس حوزه قضائی اطلاع می‌دهد. در این میان، اوراق و نوشته‌ها و اشیاء تحویل گواهان نمی‌شود بلکه برای دیدن و شهادت دادن فقط به رویت ایشان می‌رسد و مسئولیت حفظ و نگهداری آنها بر عهده قاضی است تا در موقع رفع حاجت به صاحب آن مسترد گردد یا معدوم یا ضبط شود.

با این توصیف، ظاهر ماده بیانگر آن است که حکم ماده اختصاص به قاضی دارد، بنابراین ضابطان دادگستری در مقام تحصیل اوراق و نوشته و اشیاء متعلق به متهم ملزم به رعایت قیود این ماده نیستند، اما این استنباط ظاهری صحیح نیست بلکه

ضابطان دادگستری هم هرگاه در مقام اجرای دستور قضایی مبادرت به امور فوق نمایند باید شرایط مذکور در این ماده را رعایت کنند. کما اینکه ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری سابق مقرر داشته بود ((اقدامات نظمی در مورد دو ماده قبل موافق قواعد و ترتیبی است که برای تحقیقات مقدماتی صورت گرفته است و این موضوع در ماده ۶۰ پیش نویس قانون آن به این صورت پیش بینی شده است ((تمامی اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است)).

ز- انجام بازرسی پس از ابلاغ حکم

بازرسی منزل حسب المعمول باید با دق الباب و ابلاغ حکم بازرسی صورت گیرد، مگر در مواردی که انجام این عمل موجب فرار متهم و یا محو آثار جرم شود که باید این مطلب نیز مشخص باشد و از ناحیه مقام قانونی تجسس کننده ضرورت آن تشخیص و موضوع صورت مجلس شود. در بازرسی از شکستن در و پنجره، تخریب دیوار و یا پریدن از آن، رفتن به پشت بام و نظایر آن باید خودداری شود. (آخوندی، ۱۳۸۰، ۱۰۳)

ح- عدم اجرای دستور قاضی در بازکردن محلها و اشیاء بسته

به استناد ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ع.ا در امور کیفری، در صورتی که متصرفان قانونی اماکن یا متصدیان آنها دستور قاضی را در باز کردن محلها و اشیاء بسته اجرا ننمایند، قاضی می تواند دستور باز کردن را بدهد ولی مکلف است حتی المقدور از اقداماتی که باعث ورود خسارت می شود احتراز نماید.

هنگام بازرسی و تفتیش اماکن عمومی ممکن است قاضی به انبارها و اطاقها و یا اشیائی برخورد نماید که مفل یا در بسته باشند. چنانچه قاضی رسیدگی کننده بازرسی و تفتیش آنها را ضروری بداند، در این صورت از متصرف قانونی یا متصدی محل و یا دارنده شی بسته می خواهد که قفل را باز کرده تا امکان بازرسی فراهم

گردد، چنانچه متصدی مربوط حاضر به بازکردن آن نباشد در صورتی که کشف جرم متوقف بر آن باشد، قاضی می‌تواند دستور بازکردن آن را بدهد با وجود این به شرح ماده ۱۰۲ همان قانون مکلف است حتی المقدور از اقداماتی که باعث ورود خسارت می‌شود احتراز نماید.

با این توصیف، قانون‌گذار در ماده مذکور و در تبصره ماده ۹۸، در دو مورد مجوز صدور بازکردن محل را به قاضی داده است؛ یکی اینکه صاحب خانه یا محل، دستور قاضی را اجرا نکند و دیگر آنکه کسی در محل نباشد، اما در مورد جایی که کسی در خانه یا محل باشد اما صاحب خانه یا صاحب محل نباشد مانند مهمان و کارگر، مسکوت مانده است که به نظر می‌رسد در چنین صورتی هم قاضی حق دستور باز کردن را داشته باشد، زیرا وقتی در مورد منزل بدون سکنه چنین حقی باشد در مورد خانه دارای سکنه به طریق اولی این حق برقرار است. کلمه «قاضی» در این ماده اطلاق دارد و شامل قاضی دادسرا نیز می‌شود. البته دستور قاضی برای باز کردن محل و اشیای بسته در صورتی جایز است که کشف جرم متوقف بر آن باشد اما لازم نیست که برای پیدا کردن راه دیگر تامل شود. حکم این ماده مانع اجرای ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی نیست بنابراین علاوه بر اینکه مقاومت متصرف یا تصدی اماکن درهم شکسته می‌شود شخص متمرّد به مجازات ترمّد هم محکوم می‌شود و مسئولیت خسارت‌های وارده نیز متوجه او است.

((ماده ۶۰۷ - هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأموران دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید ترمّد محسوب می‌شود و مجازات آن به شرح ذیل است:

۱- هرگاه متمرّد به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد حبس از شش ماه تا دو سال.

۲- هرگاه متمرّد در حین اقدام دست به اسلحه برد حبس از یک تا سه سال.

۳- در سایر موارد حبس از سه ماه تا یک سال.

تبصره- اگر متمرّد در هنگام تمرد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد.))

۴- بهتر است در مواردی که متصرف قانونی غایب است و یا از حضور استنکاف می‌ورزد، قاضی و یا بازرس از حضور دو نفر معتمد استفاده کرده و از آنان بخواهد که در هنگام بازرسی حاضر شوند و ذیل صورت جلسه را امضا کنند و اگر ایراد شود که این امر با ظاهر ماده ۹۹ همین قانون مغایرت دارد، بهتر است قانون‌گذار چنین موردی را پیش‌بینی کند.

ط- اشخاص مجاز برای حضور در بازرسی منزل و اجازه صاحب منزل

به موجب مفاد ماده ۹۹ ق.آ.د.ع.ا در امور کیفری اشخاصی که در امر جزایی دخیل هستند می‌توانند در موقع تفتیش و بازرسی حاضر باشند ولی سایر اشخاص نمی‌توانند داخل شوند مگر با اجازه متصرف قانونی. در تفسیر این ماده می‌توان گفت:

۱. از ظاهر ماده بر می‌آید که اختصاص به منازل و اماکن محصور دارد زیرا کلمه داخل شدن به کار رفته است اما به نظر می‌رسد در مورد سایر اماکن نیز اشخاصی که در امور جزایی دخیل نیستند حق حضور در محل تفتیش را ندارند.

۲. نکته دیگری که در ارتباط با موضوع مطرح است آن است که قانون‌گذار اجازه ورود اشخاص ثالث را بدون اجازه متصرف قانونی نداده است حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که اگر قاضی به جهتی از جهات تحقیقاتی، اشخاص یا شخص ثالثی را برای بازرسی به همراه آورد یا شخصی از طرف قاضی اجازه یافت به منزل وارد شود آیا به این جهت که متصرف قانونی اذن نداده است ممنوعیت ورود همچنان باقی است؟

به عنوان مثال اشخاصی که شب حادثه در خانه مهمان بوده‌اند و مشخصات ملک را دقیقاً می‌دانند و محل استقرار مقتول را اطلاع دارند آیا ورودشان به محل حتماً باید با اجازه صاحب‌خانه باشد؟ ولو اینکه قاضی حضور آن را ضروری بداند؟ متأسفانه

قانون در این مورد ساکت است. اصل حفظ حرمت اشخاص ایجاب می‌کند، به نص قانون عمل شود، ولی به نظر می‌رسد باید به قاضی نیز چنین اجازه‌ای داد که بتواند ورود اشخاص ثالث را به محل بازرسی تجویز کند.

۳. متصرف قانونی شامل مهمان و کارگر و بنا و نظایر این‌ها نیز می‌شود بنابراین اگر بنا و کارگر در داخل خانه‌ای مشغول به کار باشند و ورود افراد مذکور را اجازه بدهند کفایت می‌کند چون به صورت قانونی، متصرف هستند. ممکن است گفته شود میهمان یا بنا یا کارگر، تصرفی در محل ندارند چون اقامت یا فعالیت موقت آن‌ها در محل را نمی‌توان تصرف به حساب آورد بلکه تصرف باید همرا با مالکیت عین یا منفعت باشد اما این تفسیر به نفع متهم نیست.

۴. بازرسی منازل و اماکن معمولاً بدون اطلاع متهم صورت می‌گیرد بنابراین دعوت از متهم برای حضور در بازرسی معنا ندارد اما اگر حاضر شد بازرسی در حضور او صورت می‌گیرد.

در مورد این که اشخاصی که حق حضور در بازرسی را دارند می‌توانند نماینده‌ای از سوی خود برای حضور در بازرسی تعیین کنند یا خیر، ابهام وجود دارد. گرچه ظاهر قانون آن را اجازه نمی‌دهد اما قواعد حقوقی اقتضا می‌کند که این حق، قائم به شخص نبوده و از طریق نماینده قابل اعمال باشد.

ی- ممنوعیت ورود و خروج به محل بازرسی در صورت لزوم

به استناد ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، در صورت لزوم، قاضی (یا ضابطان دادگستری در جرایم مشهود و یا در حالت نمایندگی قضایی) می‌تواند ورود و خروج به محل بازرسی را ممنوع نماید و برای اجرای این دستور از نیروی انتظامی و حسب ضرورت از نیروی نظامی استفاده کند. در این ماده نکات ذیل به چشم می‌خورد:

۱. در این ماده تصریح شده است که قاضی می‌تواند ممنوعیت ورود و خروج را برقرار نماید، بنابراین سایر مأموران تحقیق چنین حقی ندارند.

۲. منظور از ورود و خروج به محل بازرسی به شرح این ماده صرفاً حضور یا عدم حضور افراد در زمان بازرسی نیست بلکه منظور، زمان پس از بازرسی نیز می باشد.

۳. نکته ای که مطرح است این است که مثلاً در موضوع قتل، قاضی، خروج افراد را تا مدتی از خانه ممنوع کند و احیاناً در بین اعضای خانواده، کارمند دولت یا شخصی باشد که حضورش در محل کار ضروری باشد. به نظر می رسد قاضی باید در مواردی که خروج از محل را ممنوع می کند به این نکات توجه داشته باشد و با وجود این موضوع چنانچه خروج از محل را ممنوع کند باید به درخواست ذی نفع گواهی لازم خطاب به اداره محل خدمت او صادر نماید.

۴. ظاهر ماده به گونه ای تنظیم شده است که اختیار ممنوعیت ورود و خروج به محل بازرسی بر عهده قاضی است؛ یعنی حتی اگر ضرورت هم اقتضا کند قاضی می تواند ورود و خروج را ممنوع نکند اما بهتر بود متن ماده به شکلی تدوین گردد که در مواقع ضرورت، ممنوعیت ورود و خروج را الزامی سازد. بهتر است کسی که منزل را بازرسی می کند ساکنان منزل را یک جا جمع کرده و آنان را تحت نظر بگیرد تا چیزی را جابجا نکند و کسی هم از منزل خارج نشود.

ضبط و استرداد اشیاء ضبط شده

الف- ضبط اشیاء

ضبط و توقیف اشیاء و مدارک، از دیگر اقدامات مربوط به کشف جرم می باشد. به موجب این حق، قاضی تحقیق، ضابطان دادگستری و هر مقام ذی صلاح دیگری که امر بازرسی و تفتیش را بر عهده دارد مجازند که هر نوع مدارک یا اشیائی که برای کشف جرم و حقیقت مفید فایده باشد را ضبط، توقیف، صورت برداری، لاک مهر و در صورت مجلس توصیف و تعریف نمایند و پس از تحقیق آن را در اختیار دادگاه قرار داده یا به صاحبان آنان مسترد نمایند. مجوز حق ضبط و توقیف در قانون اساسی و

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری جمهوری اسلامی ایران معین گردیده است.

به موجب اصول ۹، ۱۷، ۲۱، ۲۳ متمم قانون اساسی سابق و اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «مراسلات و مکاتبات و مخبرات و اموال مردم ایران مصون از تصرف و ضبط و توقیف می‌باشد مگر در مواقعی که قانون اجازه دهد.» قانون‌گذار در مواد ۱۰۶ تا ۱۱۲ ق. آ. د. ع. ا. ک مقررات و شرایطی را در خصوص نحوه ضبط آلات و ادوات جرم وضع نموده که به اجمال به شرح هر یک از آنها می‌پردازیم.

برابر ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، آلات و ادوات جرم از قبیل حربه، اسلحه، اسناد ساختگی، سکه تقلبی و کلیه اشیایی که در حین بازرسی به دست آمده و می‌تواند موجب کشف جرم یا اقرار متهم به جرم باشد باید ضبط شده و در صورت مجلس، هر یک از اشیای مزبور تعریف و توصیف شود.

در مورد ضبط آلات و ادوات جرم ونحوه نگهداری و استرداد آن‌ها علاوه بر مقررات این ماده و مواد بعدی، باید به ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی نیز توجه نمود این ماده مقرر می‌دارد: «بازرسی یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معدوم شود در مورد ضبط دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین خواهد کرد، همچنین بازرسی و یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذی نفع با رعایت شرایط زیر، دستور رد اموال و اشیاء مذکور در فوق را صادر نماید.

۱ - وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازرسی یا دادرسی لازم نباشد.

۲ - اشیاء اموال بلامعارض باشد.

۳ - در شماره اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد.

در کلیه امور جزایی، دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن، اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا براءت یا موقوف شدن تعقیب متهم باشد، نسبت به اشیاء و اموالی که وسیله جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است حکم مخصوص صادر و تعیین نماید که آنها باید مسترد یا ضبط یا معدوم شود.

تبصره ۱- متضرر از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار با حکم دادگاه می‌تواند از تصمیم آنان راجع به اشیاء و اموال مذکور در این ماده شکایت خود را طبق مقررات در دادگاه‌های جزایی تعقیب و درخواست تجدید نظر نماید. هرچند قرار با حکم دادگاه نسبت به امر جزایی قابل شکایت نباشد.

تبصره ۲- مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب برای دولت بوده یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن گردد و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نباشد و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع الفساد حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته شده و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهایی در صندوق دادگستری به عنوان امانت نگهداری خواهد شد.

منظور از ضبط در این ماده با ضبط در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی فرق دارد. در ماده ۱۰ صحبت از حکم به ضبط است ولی در این ماده ضبط قبل از تصمیم نهایی دادگاه است، بنابراین منظور از ضبط اشیاء در این ماده تأمین و حفاظت و نگهداری آنان توسط نیروی انتظامی یا مرجع قضایی تا تعیین تکلیف نهایی است نه این که قبل از اثبات و صدور حکم در مورد اصل اتهام، در مورد ضبط وسایل و مدارک جرم حکمی صادر شود. منظور از آلات و ادواتی که در این ماده آمده است آن ادواتی است که می‌توانند دلیل جرم ارتکابی باشند نه این که هر آلت و ادواتی که عادتاً امکان استفاده از جرم از آنها باشد ضبط گردد و اگر این گونه تفسیر شود در هنگام بازرسی هیچ چیزی نباید در منزل بماند زیرا هر چیزی امکان واقع شدن به عنوان آلت جرم را دارد.

در مورد نحوه حفظ و نگهداری اموال ضبط شده باید به مقررات عمومی راجع به حفظ اموال امانی مراجعه کرد. اگر مال ضبط شده مال غیر منقول باشد طبق مقررات ثبت، هرگونه معامله‌ای نسبت به آن ممنوع می‌گردد و در صورت لزوم، محل نیز قفل و لاک مهر می‌گردد، اموال منقول نیز معمولاً در محل مخصوصی جمع‌آوری شده و تحویل حافظ می‌شود مگر اینکه وجود آنها در دادگاه یا نیروی انتظامی لازم باشد که در این صورت به محل‌های مزبور منتقل می‌گردد. در برخی قوانین خاص، نحوه نگهداری این اموال و اشیاء مشخص شده است مانند تبصره ۴ ماده ۵۰ قانون مجازات مرتکبین قاچاق، مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹: ((هرگاه وسیله نقلیه‌ای که طبق قانون جلوگیری از قاچاق با وسائل نقلیه دریائی، مصوب ۱۳۳۶ توقیف شده یا به موجب این ماده توقیف می‌شود بر اثر طول مدت نگهداری در معرض خرابی یا کسر فاحش قیمت بوده یا نگهداری آن مستلزم هزینه نا متناسب (به تناسب قیمت وسیله نقلیه) باشد و یا اینکه صاحب وسیله مزبور با فروش آن موافقت کند با حضور نماینده دادستان فروخته می‌شود و حاصل فروش حسب مورد تا انقضای مدت مقرر در این ماده تا تعیین تکلیف آن در مراجع قضایی در حساب سپرده نگهداری می‌شود مگر اینکه مراجع مذکور ادامه نگهداری وسیله نقلیه را تا تعیین تکلیف نهایی لازم بداند. حاصل فروش وسیله نقلیه‌ای که صاحب آن ظرف دو سال از تاریخ توقیف به دادگاه شکایت نکرده باشد به نفع دولت ضبط خواهد شد. هزینه متناسب نگهداری وسیله نقلیه به عهده اداره مأمور وصول درآمد دولت می‌باشد)).

در ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری هرگاه دلایل جرم چیزی باشد که نتوان از محل جدا و خارج نمود (مثل خونی که ریخته)، در این صورت قاضی باید نسبت به حفظ دلایل یاد شده اقدام نماید و اگر لازم باشد محل را قفل و مهر و موم کرده حفاظت آن را به نیروی انتظامی یا مستحفظ مخصوص بسپارد. اشیائی که نزد مستحفظ یا نیروی انتظامی سپرده می‌شود حکم امانت را دارد و کلیه احکام مال امانی بر آن بار می‌شود. اما در مورد اختیارات دادگاه نسبت به این اموال باید گفت که دادگاه از طرف دولت، امین است و

جز در چارچوب قانون، حق مداخله در آن را ندارد. شورای عالی قضایی در تاریخ ۶۳/۵/۱۷ در استعلامی که از آن مرجع شده بود مبنی بر اینکه آیا دادگاه انقلاب مجاز است از اموال مصادره‌ای و جریمه نقدی، برای خرید آمبولانس به‌هداری کمک کند؟ چنین پاسخ داد: «اموال مصادره‌ای در مالکیت بنیاد مستضعفان مستقر می‌شود یا مانند جریمه باید به حساب دولت منظور و طبق ضوابط قانونی به خرج برسد. صرف این وجه در غیر مواردی که قانون تعیین نموده تصرف در اموال دولتی و جرم محسوب می‌شود بنابراین دادگاه حق برداشت از این وجه را ندارد.»

برابر ماده ۱۱۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری از مایعاتی که قابل تجزیه است باید به قدر لزوم تحصیل و در ظرفی ریخته مهر وموم شود به طوری که ضایع یا تفریط نگردد، از مایعات باید حداقل سه ظرف به عنوان نمونه برداشته شود.

خون یکی از مهم‌ترین دلایل جرم است که تحقیق دقیق و کافی از آن، نقش مهمی در کشف جرم دارد و البته این مسئله از قواعد پیچیده و مهمی برخوردار است که علوم جرم‌یابی متکفل بحث از آن است. (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۴۴۸) در مورد لکه‌های موجود در صحنه جرم، ابتدا باید تحقیق نمود که آیا لکه خون است یا خیر؟ آیا خون انسان است یا خیر؟ پس حالت ظاهری لکه‌ها، مقدار، شکل، محل دقیق آن‌ها، درجه حرارت، رطوبت محل و سایر جزئیات یادداشت شود. اگر خون مایع است به وسیله سرنگ، قطره چکان، قاشق و اشیائی نظیر این‌ها جمع‌آوری شود و اگر مایع نیست در زیر نور آفتاب خشک شود (خشک کردن با گرمای مصنوعی ممکن است باعث تجزیه لکه خون شود).

همچنین ترشحات بدنی مانند بزاق، بول، منی، عرق، مدفوع و استفراغ ممکن است در کشف جرم موثر باشند بنابراین مأمور تحقیق باید سعی در حفظ آنها داشته باشد. لی مومین شنایدر در مورد تحقیقات مقدماتی مربوط به قتل می‌نویسد: «اگر پی جوئی یک پرونده قتل به شکست منجر گردد علت عمده آن را باید در عدم دقت در بازرسی صحنه جستجو کرد. وقتی مأمور پی جویی به صحنه قتل می‌رسد عملیاتی

که در ۱۵ دقیقه اول انجام می‌دهد سرنوشت جریان پرونده را از نظر شکست و یا موفقیت تعیین خواهد نمود.»

بخشنامه شماره ۱/۸۰/۴۲۸۹ مورخ ۱۳۸۰/۳/۶ رئیس قوه قضائیه به واحدهای قضایی (عمومی، انقلاب و نظامی) سراسر کشور: «اموالی که در جریان کشف و تعقیب جرایم توقیف می‌گردند تا تعیین تکلیف آن‌ها در مراجع قضایی، باید از هرگونه دخل و تصرف خلاف قانون و استفاده غیر مجاز (قضات، کارمندان، مأموران اداری و انتظامی) مصون باشد.

استفاده غیر مجاز از وسایل نقلیه مسروقه یا حامل مواد افیونی و مخدر و کالای قاچاق یا توقیف شده در تصادفات و تخلفات رانندگی، برای امور شخصی یا مأموریت-های اداری و انتظامی یا نگهداری غیر ضروری آن‌ها در واحدهای انتظامی و قضایی باید به کلی منع گردد و علاوه بر آنها نظارت گردد به محض کشف اموال دزدیده شده، بلافاصله اقدام‌های لازم برای شناسایی صاحبان آنها معمول شود و چنانچه از نظر قضایی نیازی به وسایل مزبور نباشد با دستور مقام قضایی رسیدگی کننده و احراز هویت مالک یا متصرف قانونی، در قبال تنظیم صورت جلسه و اخذ رسید، تحویل گردد. اموال و اشیای مردم، نباید بی جهت در معرض اتلاف، تزییع و استفاده‌های ناروا مأموران و کارکنان مراجع رسمی قرار گیرد و تردید متهمان و شاکیان و... را به حسن صداقت و امانتداری متصدیان مشاغل در ضمن اجرای وظایف محول، بر انگیزاند. مقامات قضایی باید بیش از سایرین، نسبت به اموال و اشیای اشخاص، حساس باشند و ضمن نظارت بر جلوگیری از بهره‌گیری ناروا، مادام که پرونده نزدشان جریان دارد یا ضمن صدور رأی، در هر مورد به نحو صریح و بر اساس موازین قانونی تعیین تکلیف کنند تا موجب بروز مشکل نگردد و چنانچه خودشان و کارمندان تحت مسؤولیت آنان، خودرو یا وسایل دیگری در اختیار دارند که متعلق حق غیر و مربوط به پرونده‌ای باشد به محض ابلاغ این بخشنامه نسبت به استرداد و رفع ید از وسایل مذکور، اقدام نمایند تا باعث مسؤولیت نگردد.»

رؤسای حوزه‌های قضایی، دادستان‌های نظامی، دادسرای انتظامی قضات و سازمان بازرسی کل کشور، بر اجرای این بخشنامه نظارت می‌کنند و در صورت مشاهده تخلف، علاوه بر اقدام قانونی لازم، مورد یا موارد مشهود را با قید نام و مشخصات متخلف و وسیله یا وسایل مورد تصرف، استفاده غیر مجاز را گزارش خواهند کرد. بخشنامه شماره ۱۵/۸۲/۵۰ مورخ ۱۳۸۲/۴/۴ رییس قوه قضائیه به واحدهای قضایی سراسر کشور؛ با آن که به موجب بخشنامه شماره ۱/۸۰/۴۲۸۹ مورخ ۱۳۸۰/۳/۶ و در اجرای قوانین موجود، خواسته شد تا اشیاء و اموالی که در جریان کشف و تعقیب جرایم یا به علل قانونی دیگر، ممکن است برای مدتی توقیف گردند، تا تعیین تکلیف آن‌ها در مراجع انتظامی و قضایی، از دخل و تصرف ناروا و استفاده‌های غیر مجاز شخصی و اداری، مصون و محفوظ باشند و در رسیدگی به پرونده‌های مربوط و تصمیم‌گیری در خصوص آن‌ها تسریع لازم به عمل آید، گزارش رسیده حاکی از نادیده گرفتن مقررات در بعضی واحدها و به ویژه در مورد خودروها می‌باشد.

ب- استرداد اشیاء ضبط شده

دادگاه، قاضی تحقیق و یا دادستان پس از صدور رأی قضایی (قرار منع یا موقوفی تعقیب و یا صدور حکم محکومیت و یا براءت) باید تکلیف اشیاء و اموال ضبط شده را مبنی بر استرداد، ضبط یا معدوم کردن آن‌ها تعیین کند. برابر ماده ۱۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، اموال مسروقه یا اشیایی که به واسطه ارتکاب جرم تحصیل شده و یا هر نوع مالی که در جریان تحقیقات توقیف شده، باید به دستور قاضی، به کسی که مال از او سرقت رفته و یا اخذ شده مسترد شود. مگر اینکه وجود تمام یا قسمتی از آن‌ها در موقع تحقیق یا دادرسی لازم باشد که در این صورت پس از رفع احتیاج به دستورقاضی مسترد می‌شود. اشیایی که برابر قانون باید ضبط یا معدوم شود از حکم این ماده مستثنی است.

۱. هر ذی نفعی می‌تواند از قاضی دادسرا یا دادگاه، درخواست استرداد مال خود را بنماید و چنانچه این درخواست، رد شود متضرر از قرار به استناد تبصره ۱ ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی می‌تواند به قرار مزبور اعتراض کند و مقررات تجدید نظر خواهی از احکام و قرارهای دادگاه‌ها در اینجا نیز لازم‌الرعایه است.

۲. در مورد اینکه رد مال ناشی از جرم، مجازات محسوب می‌شود یا خیر، دو رأی وحدت رویه از دیوان عالی کشور صادر شده است که ظاهراً با یکدیگر تعارض دارند زیرا رأی اول آن را مجازات نمی‌داند اما رأی دوم، ردّ عین مال موضوع قاچاق را مجازات و محکومیت مالی دانسته است. متن این دو رأی به شرح ذیل است.

(۱-۲) رأی شماره ۵۰۹-۳/۴-۱۳۶۷: «مجازات کیفری جرم اختلاس در ماده ۵۷ قانون تعزیرات پنج سال حبس تعیین شده و رد وجه یا مال مورد اختلاس به هر میزانی که باشد جزای نقدی یا مجازات محسوب نبوده و در امر صلاحیت دادگاه تأثیری ندارد. (۲-۲) رأی شماره ۵۸۷-۱۴/۱۰/۱۳۷۲: «مستفاد از ماده اول قانون مجازات مرتکبین قاچاق، مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۵۳ و تبصره‌های آن و ماده ۶ قانون مذکور و تبصره این است که ردّ عین مال موضوع قاچاق و پرداخت دو برابر درآمدی که طبق قانون برای دولت مقرر گردیده در مجموع، محکوم به مالی را علیه مرتکبان قاچاق تشکیل می‌دهد و نحوه وصول آن که در ماده ۱۰ قانون مجازات مرتکبان قاچاق معین شده مانند نحوه اجرای سایر محکومیت‌های مالی می‌باشد و شامل تخفیف نمی‌شود، لیکن مجازات کیفری مرتکبان قاچاق تا دو سال حبس است و در این مورد در صورت وجود شرایطی که قانون مقرر داشته مجازات حبس ممکن است مشمول تخفیف و ارفاق و یا معافیت مرتکب گردد.» برای جمع این دو رأی، باید در هر مورد به همان موضوع تصریح شده اکتفا کرد و نمی‌توان آن را به سایر موارد تسرّی داد و یا اگر هم تسرّی داده شود، فقط به موارد مشابه هر رأی باید تسرّی یابد. در خصوص این ماده، مقررات

مشابهی نیز وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. یکی از این موارد ماده ۹ قانون مجازات اسلامی است: «مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارات وارده نیز برآید.» در این ماده تکلیف ردّ عین مال یا قیمت یا مثل مال و جبران خسارت بر عهده مجرم گذاشته شده است اما این تکلیف در حقیقت به صورت غیر مستقیم متوجه دادگاه است که به عنوان «الحاکم ولی الممتنع» حکم به ردّ نماید. ماده مزبور به صراحت مثل یا قیمت مال را هم بیان کرده است اما در ماده ۱۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری کلمه «مال» به صورت مطلق به کار رفته است. ماده ۶۶۷ قانون مجازات اسلامی، در مورد ردّ مال مسروقه آورده است: «در کلیه موارد سرقت و ربودن اموال مذکور در این فصل دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده سارق یا رباینده را به ردّ عین و در صورت فقدان عین به ردّ مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارت وارده محکوم خواهد نمود.» این ماده کامل‌تر از ماده ۱۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری است و ردّ مثل یا قیمت مال را هم تکلیف دادگاه قرار داده است اما موضوع ماده فقط اختصاص به سرقت دارد. در ماده یک و دو و سه و پنج قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۶۷/۹/۱۵ علاوه بر مجازات قانونی، حکم به ردّ اصل مال به صاحبش نیز شده است. این ماده ناظر به اموالی است که در دادگاه یا مرجع انتظامی موجود است. همچنین مواد ۵۸۱، ۵۶۱، ۵۹۹، ۵۳۹، ۱۹۹، ۱۹۸، ۷۱۳، ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی و بسیاری از قوانین متفرقه دیگر همچون ماده یک و دو قانون راجع به اشخاصی که مال غیر را انتقال می‌دهند، مصوب ۱۳۰۲ و ماده ۵۵۴ قانون تجارت، مقرراتی را در مورد استرداد مال تحصیل شده از جرم بیان کرده است.

۴- نکته‌ای که در مورد استرداد مال همواره مورد اختلاف حقوقدانان بوده و قوانین موضوعه هم نسبت به آن ابهام داشته است این است که آیا ردّ مال ناشی از جرم نیازمند تقدیم دادخواست می‌باشد یا خیر؟ در این خصوص نظریه مشهور و رویه موجود آن است که هر جا قانون‌گذار، دادگاه را مکلف به حکم ردّ مال کرده باشد نیازی به تقدیم دادخواست نمی‌باشد مانند ماده ۶۶۷ قانون مجازات اسلامی و مواد ۱، ۲، ۳ و ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری. اما در سایر موارد، متضرر از جرم باید دادخواست بدهد چون ماهیت این رسیدگی استرداد مال، حقوقی است بنابراین باید قواعد دادرسی حقوقی که تقدیم دادخواست هم از جمله آنهاست رعایت شود پس در جرائمی همچون خیانت در امانت و صدور چک بلامحل باید دادخواست داده شود. به نظر می‌رسد ماده ۱۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری تا حدودی این رویه را تعدیل کند، زیرا استرداد مال ناشی از جرم به صورت کلی در این ماده بیان شده است و اختصاص به جرم خاصی ندارد بنابراین حداقل در خصوص استرداد اصل مال که در تعقیب و تحقیق جرم به دست آمده است باید گفت که نیازی به تقدیم دادخواست نمی‌باشد.

به جهت اهمیت موضوع در بندهای ۸ و ۱۴ از بخشنامه رئیس قوه قضائیه (مورخ ۸۳/۲/۱۵) نیز در خصوص چگونگی برخورد با اسناد، مدارک و اشیائی که ارتباطی با جرم نداشته و عدم ضبط بی مورد آنها و همچنین عدم دخل و تصرف در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان نیز پرداخته شده است.

در بند ۸ از این بخشنامه آمده است: «بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد.»

در بند ۱۴ از این بخشنامه آمده است که: «از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید».

همان گونه که ملاحظه می شود، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص مصون از هرگونه تعرض است و این مصونیت به طور صریح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و در اعلامیه اسلامی حقوق بشر و سایر اسناد بین المللی به صراحت بیان گردیده است و قوانین عادی نیز هریک به نوبه خود ضمانت اجرای مطمئنی بر این مصونیت تعیین کرده اند تا حرمت منازل شهروندان و آسایش خانواده ها متزلزل نشود.

ج) بازرسی منازل، اماکن و اشیاء اشخاص در اسناد بین المللی

ملت های مختلف جهان در خصوص موضوعاتی که به طور مشترک مورد توجه همه آنها می باشد به تنظیم موافقتنامه ها و اعلامیه هایی مبادرت می ورزند. مسئله ای که طی سال های اخیر بیش از مسائل دیگر موضوع این اعلامیه ها و موافقتنامه ها را به خود اختصاص داده، مسئله حقوق بشر می باشد. این اسناد (اعلامیه ها و موافقتنامه ها) به استناد ماده ۹ قانون مدنی ایران در حکم قانون بوده و لازم الاجرا می باشد. در قانون برخی از کشورها این اسناد به مراتب از قوانین داخلی از قابلیت اجرایی بیشتری نیز برخوردار می باشند. که در ادامه به بررسی اسناد مرتبط خواهیم پرداخت.

۱) اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر در دهم دسامبر ۱۹۴۸ (۱۹ آذر ۱۳۲۷) با رأی مثبت ۴۸ دولت از ۵۶ دولت عضو سازمان ملل از جمله ایران طی قطعنامه شماره ۲۱۷ به

تصویب رسید. این اعلامیه هیچ رأی مخالفی وجود نداشت، ولی رأی ۸ دولت ممتنع بود که عبارت بودند از: بیلوروس، چکسلواکی، لهستان، عربستان سعودی، جمهوری اوکراین، اتحاد جماهیر شوروی، یوگسلاوی و آفریقای جنوبی.

اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان تفاهم مشترک ملت‌ها در مورد حقوق و آزادی‌های اساسی انسان که همواره باید مورد توجه قرار گیرد؛ آموزش داده شود و به آن عمل شود؛ توصیف شده است. رئیس وقت مجمع عمومی سازمان ملل پس از تصویب اعلامیه، اظهار داشت: "پذیرش این اعلامیه با اکثریتی بزرگ، بدون هیچ گونه مخالفت مستقیم، خود دستاورد قابل ملاحظه‌ای است و میلیون‌ها نفر مرد و زن و کودک در سراسر جهان از آن کمک، راهنمایی و الهام خواهند گرفت. اعلامیه جهانی حقوق بشر مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده است) به استناد ماه ۱۲ این اعلامیه: احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خود سرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل این گونه مداخلات و حملات، مورد حمایت قانون قرار گیرد. (پوینده، ۱۳۸۲: ۹۲)

۲) میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مشتمل بر یک مقدمه و ۵۳ ماده می‌باشد که در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ م مطابق با ۱۳۴۷/۰۹/۲۵ هجری شمسی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است و از طرف نماینده مختار دولت ایران در چهارم آوریل ۱۹۶۸ مطابق با ۱۳۴۷/۱/۱۵ هجری و شمسی در نیویورک امضا و پس از تصویب مجلس شورای ملی در جلسه روز سه شنبه ۲۳ آبان ۱۳۵۱ در جلسه روز چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ شمسی به تصویب مجلس سنا رسیده است. این میثاق در ماده ۱۷ خود منع بازرسی و تجسس را مورد شناسایی قرار داده و بیان داشته است: «هیچ کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او

نباید مورد تعرض غیر قانونی واقع شود. هر کس حق دارد در مقابل اینگونه مداخلات یا تعرض از حمایت قانون برخوردار شود».

۳) کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی

موافقتنامه اروپایی حقوق بشر در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۵۰ میلادی به امضای پانزده کشور رسیده و سه سال بعد از امضا در سوم سپتامبر ۱۹۵۳ میلادی در مقدمه آن به اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان الگوی مورد پیروی اشاره شده و برخی از موارد آن از این اعلامیه اقتباس شده است. این موافقتنامه منع تجسس و بازرسی افراد را در ماده هشتم خود مورد شناسایی قرار داده و چنین آورده است «هر کس حق دارد حرمت زندگی خصوصی و مکاتبات وی حفظ شود». همچنین موافقتنامه مذکور در بند ۲ ماده مزبور بازرسی و تجسس را فقط طبق قانون و زمانی که برای منافع امنیت ملی، سلامت عمومی، رفاه اقتصادی کشور، حفظ نظم و پیشگیری از جرایم، حمایت از بهداشت یا اخلاقیات، یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران لازم باشد، جایز می‌شمارد.

۴) موافقت نامه آفریقایی حقوق بشر

منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها مصوب ۱۹۸۱ م نیز برخی اصولی را که در موقع کشف جرم بایستی رعایت گردد را مورد بیان قرار داده است. بر اساس ماده چهارم منشور «انسان‌ها قابل تعرض نیستند. هر فردی استحقاق احترام به تمامیت جسمی و زندگی خویش را دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه از این حقوق محروم کرد.» منشور در ماده ششم خود نیز اعلام می‌نماید: «هر فرد حق برخورداری از آزادی و امنیت خویش را خواهد داشت. هیچ کس را نمی‌توان از آزادی خویش جز به دلایل و شرایطی که قبلاً به وسیله قانون معین شده محروم کرده به خصوص هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه توقیف یا حبس کرد.» در واقع بر اساس مواد فوق منشور، کنترل هویت، بازرسی و توقیف اشخاص مغایر با حق آزادی و امنیت شخصی است و

بایستی در مواقع لزوم بازرسی و کنترل هویت اشخاص یا توقیف افراد تشریفاتی جهت تطابق با اصول فوق رعایت گردد.

۵) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی که در ارتباط با موضوع مورد بحث بایستی مورد توجه قرار گیرد، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است. این اساسنامه در ۱۷ جولای ۱۹۹۸ در مرکز سازمان کشاورزی ملل متحد در رم مورد پذیرش و تصویب یکصد و بیست کشور جهان قرار گرفته و به آن رأی مثبت داده شده است. این اساسنامه تشریفاتی را که بایستی موقع تحقیق و کشف جرم رعایت گردد را مورد بیان قرار داده است و دادستان و مقامات تحقیق و کشف جرم ملزم به رعایت آنها هستند. بر اساس بند ۱ ماده ۵۴ اساسنامه «۱- دادستان باید: الف- به منظور کشف واقع، به هنگام تحقیق تمامی وقایع و ادله مربوط را در نظر بگیرد، به نحوی که بتواند مشخص کند که آیا اساساً مسئولیت کیفری موضوع مقررات این اساسنامه تحقق یافته است یا خیر و اگر پاسخ مثبت است اوضاع و احوال و قرائن له و علیه متهمان را بی طرفانه مورد تحقیق قرار دهد. ج- حقوق اشخاص را که ناشی از مقررات این اساسنامه است محترم شمارد. اگرچه عملاً اغلب تحقیقات نظیر بازجویی، بازرسی، توقیف اموال و اقدامات مشابه آن به موجب قوانین ملی کشور مورد تقاضا انجام می‌گیرد ولی اساسنامه حقوق افراد را در جریان تحقیقات، مورد حمایت‌های خاصی قرار داده است. بنابراین از این نظر، بین اساسنامه و حقوق ملیت به طور قابل توجهی تفاوت وجود دارد و دیوان خود را به آئین دادرسی قضایی ملی که ممکن است حقوق اساسی افراد را نقض کند، منحصر نمی‌کند. در واقع اساسنامه تقریباً فرض را بر این می‌گذارد که نظام‌های قضایی ملی برای تأمین حقوق افراد در این زمینه ناکافی و غیر قابل اعتماد می‌باشند. مقررات مندرج در اساسنامه استانداردهای بالا و مدل بهتری را در مقایسه با نظام‌های ملی مقرر می‌کند. (ویلیام شبت، ۱۳۸۴: ۱۴۱)

به هر حال اساسنامه به طور صریح در ماده ۶۶ اصل را بر بی‌گناهی اشخاص دانسته است و افراد تا زمانی که اتهام آنان بر طبق حقوق قابل اجرا در دیوان اثبات نشود بی‌گناه محسوب می‌شوند و بایستی مثل شهروندان بی‌گناه با آنها برخورد شود. از مفاد مواد مذکور چنین بر می‌آید که در مرحله کشف جرم و در حین بازرسی‌ها، کنترل هویت اشخاص و توقیف، به آزادی‌ها و امنیت شخصی افراد بایستی با دیده احترام نگاه کرد. بنابراین بایستی کنترل هویت، توقیف و بازرسی‌ها مستلزم و تابع تشریفات باشند تا حقوق و آزادی‌های فردی مورد خدشه قرار نگیرد. (دادستان علیه موزیک (T-۲۱-۹۶-II) تصمیم ۲ سپتامبر ۱۹۹۷ (به نقل از همان، ص ۱۴۲).

۶) اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه

اعلامیه معروف حقوق بشر شهروند فرانسه مصوب ۱۷۸۹ میلادی امنیت را جزء چهار ارزش بزرگ بشری ذکر کرده است. ماده یک این اعلامیه چنین می‌گوید: هدف جامعه سیاسی حفظ حقوق طبیعی و غیر قابل مرور زمان است، این حقوق عبارتند از: آزادی، مالکیت، امنیت و مقاومت در برابر ستم. همین‌طور ماده ۸ این اعلامیه می‌گوید: امنیت عبارت است از حمایتی که جامعه به هریک از افراد و اعضای خود برای حفظ جان، حقوق و دارایی آن‌ها اعطاء کرده است. امروز امنیت به گونه‌ایی با آزادی تلفیق شده است که برای ما آزادی بدون امنیت و مصونیت فردی معنی و مفهومی ندارد. (طباطبایی مومنی، ۱۳۷۵: ۶۳)

۷) اعلامیه اسلامی حقوق بشر

اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره مصوب ۱۴۱۱ ه.ق نیز برخی مواردی را که هنگام کشف جرم و بازرسی‌ها بایستی مد نظر قرار داد، مورد شناسایی قرار داده است. اعلامیه در ماده هجدهم خود اعلام می‌دارد: «الف) هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش، در آسودگی زندگی کند. ب) هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و

ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او یا مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و بایستی از او در مقابل هر گونه دخالت زورگویانه در این شئون حمایت شود. (ج) مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنان آن یا به صورت غیر مشروع وارد آن شد، و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره نمود.». (طباطبایی مومنی، ۱۳۷۵ : ۶۰) در واقع این ماده اصل منع بازرسی و تجسس در مرحله کشف جرم را مورد شناسایی قرار داده و اعلام می‌نماید: که نبایستی خودسرانه افراد را مورد بازرسی و توقیف قرار داد یا آزادی آن‌ها را با اشکالی چون کنترل هویت محدود نمود و این موارد به خوبی از مفاد مواد مزبور اعلامیه قابل استنباط است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود؛ حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص مصون از هرگونه تعرض است و این مصونیت به صراحت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین کیفری داخلی و اسناد بین‌المللی شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه اسلامی حقوق و سایر اسناد ملی و بین‌المللی به صراحت بیان گردیده است و قوانین عادی نیز هر یک به نوبه خود ضمانت اجراهای مطمئنی بر این مصونیت تعیین کرده‌اند تا حرمت منازل شهروندان و آسایش خانواده‌ها متزلزل نشود.

نتیجه‌گیری

در کشور ایران نیز همانند سایر کشورهای دارای حقوق نوشته، ضوابط و مقرراتی در خصوص بازرسی و تفتیس از منازل، اماکن و اشیاء اشخاص موجود می‌باشد که به اهم آن‌ها می‌توان به مواد ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی و مواد ۹۶ تا ۱۰۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و قوانین متفرقه دیگر اشاره نمود. از جمله مهم‌ترین ضوابط و مقرراتی که در خصوص بازرسی منازل، اماکن و اشیاء اشخاص می‌توان به آن اشاره کرد عبارتند از:

۱. کسب مجوز از مقام صالح قضایی در جرائم غیر مشهود «در صورتی که مقام رسیدگی کننده ضابط دادگستری باشد.
۲. مراجع رسیدگی کننده به تعزیرات حکومتی که طبق مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام جزء قوه مجریه‌اند، نیز را ساحق ورود به منازل مسکونی اشخاص را ندارند، و آنان نیز می‌بایستی از مقام قضایی اجازه بازرسی دریافت نمایند.
۳. در حکم بازرسی، باید زمان و مکان بازرسی و مشخصات نماینده و حدود مأموریت او درج شود تا در موقع مراجعه به محل مورد نیاز بازرسی، در صورت مطالبه صاحب‌خانه یا متصرف آنجا، مدارک مثبت سمت نمایندگی و اقدام قانونی خود را ارائه نمایند.
۴. تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء در مواردی باید به عمل آورده شود که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در محل وجود داشته باشد.
۵. برای انجام بازرسی دق الباب صورت گیرد و رعایت کلیه موازین شرعی و قانونی و حفظ حرمت اشخاص و عدم تعرض به حقوق دیگر ساکنان در هنگام بازرسی در اولویت قرار دارد و عدم رعایت آن موارد مستوجب مجازات خواهد بود.
۶. چنانچه بازرسی و تفتیش با حقوق اشخاص مزاحمت نماید در صورتی این امر مجاز است که از حقوق آنان مهم‌تر باشد.
۷. بازرسی و تفتیش باید در حضور متصرفان قانونی به عمل آورده شود.
۸. بازرسی و تفتیش بایستی در روز انجام گردد.
۹. به هنگام بازرسی و تفتیش فقط آنچه که مربوط به جرم است باید جمع-آوری شود و به صاحب آن، رسید داده شود.
۱۰. بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط

انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد.

۱۱. از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب شود و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم با قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیای تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

۱۲. کلیه اشیاء مشکوفه به ترتیب شماره‌گذاری شده و شرح مآوقع را در صورت مجلسی تنظیم و به امضا کلیه مأموران و هم‌چنین صاحب خانه و یا همسر و یا اولاد ارشد و دیگر افراد ذی‌نفع در موضوع برسانند.

۱۳. ضبط، صورت برداری و لاک مهر کردن اموال و اشیاء مربوط به جرم نیز از تشریفات دیگر لازم الرعایه در بازرسی‌ها می‌باشد.

۱۴. از جمله آزادی شخص، مصون بودن مکاتبات، مکالمات تلفنی، مخابرات تلگرافی و تلکس و به طور کلی اسرار شخصی وی می‌باشد که می‌بایست از تعرض (بازرسی، شنود و...) مصون نگه داشته شود (کنترل تلفن افراد جزء در مواردی که به امنیت کشور مربوط می‌باشد، و یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص داده می‌شود، ممنوع است).

۱۵. باتوجه به اصل ۲۲ قانون اساسی و اطلاق ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری، بازرسی اتموبیل‌های شخصی همانند منزل باید با اجازه مقام قضایی باشد و این امر، معنایی جز حریم خصوصی بودن اتموبیل شخصی ندارد که لازمه آن، مصونیت از تعرض می‌باشد. بازرسی خودروها در معابر، گلوگاه‌ها و در داخل شهر توسط نیروی نظامی و انتظامی احتیاج به اجازه مخصوص هر

خودرو توسط مقام قضایی را دارد، حکم مقام قضایی در این خصوص نمی‌تواند کلی باشد و باید در هر مورد، حکم خاص صادر شود. در غیر این صورت، احتمال نقض حریم خصوصی افراد در این موارد بسیار زیاد می‌باشد. در شریعت اسلام نیز بر رعایت حقوق افراد تأکید شده است و احکامی وضع کرده که مناسب هر زمان و مکانی است و از دیدگاه اسلام، حق افراد است که با آرامش و امنیت در مساکن خود زندگی کنند و مورد تعرض قرار نگیرند.

خداوند در قرآن مجید در آیات ۲۶ و ۲۷ سوره مبارکه نور به ترتیب فرموده‌اند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌های غیر خانه‌های خودتان وارد نشوید تا به شما دستور ورود بدهند و هنگام ورود سلام کنید.» «و اگر در خانه کسی را نیافتید باز وارد نشوید تا اجازه یافته آنکه در آید و چون به خانه‌ای در آمدید گفتند برگردید، بزودی بازگردید که این بر تنزیه و پاکی شما بهتر است و خدا به هر چه کنید داناست» یا در جایی دیگر حدیثی از پیامبر نقل شده است که فرموده‌اند: خداوند کسی را که متجاوزی وارد خانه‌اش شود و با او نجنگد دشمن می‌دارد. فقهای امامیه می‌گویند: دفع کسی که بدون اجازه به منزل دیگری وارد می‌شود جایز و قتل او در صورتی که دفاع منوط به آن باشد مباح و مشروح می‌دانند. فقهای حنفی می‌گویند: اگر مهاجم با جنگ و ستیز به منزل دیگری وارد شود صاحب منزل می‌تواند او را بکشد بی آنکه به او هشدار دهد. فقهای شافعی می‌گویند: اگر کسی بدون اجازه به منزل و یا چادر دیگری وارد شود، صاحب منزل می‌تواند او را دفع کند هر چند که منجر به قتل متجاوز شود و در برابر او مسئول نمی‌باشد؛ اما بنا به قول اصالح، قبل از آن هشدار جایز نیست. امام خمینی (ره) در خصوص حریم خصوصی و بازرسی م فرمایند: هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود... یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد شنود بگذارد و یا به دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناه غیر نماید، یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر باشد فاش کند.

در اسناد بین‌المللی نیز در خصوص منع نقض حریم خصوصی افراد و تجسس‌های بی‌مورد آمده است:

اعلامیه جهانی حقوق بشر در خود مقرر داشته است: احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خود سرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل این گونه مداخلات و حملات، مورد حمایت قانون قرار گیرد. میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی در ماده ۱۷ خود منع بازرسی و تجسس را مورد شناسایی قرار داده و بیان داشته است: «هیچ کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیر قانونی واقع شود. هر کس حق دارد در مقابل اینگونه مداخلات یا تعرض از حمایت قانون برخوردار شود.»

همچنین موافقتنامه اروپایی حقوق بشر منع تجسس و بازرسی افراد را در ماده هشتم خود مورد شناسایی قرار داده و چنین آورده است «هر کس حق دارد حرمت زندگی خصوصی و مکاتبات وی حفظ شود.» همچنین موافقتنامه مذکور در بند ۲ ماده مزبور بازرسی و تجسس را فقط طبق قانون و زمانی که برای منافع امنیت ملی، سلامت عمومی، رفاه اقتصادی کشور، حفظ نظم و پیشگیری از جرایم، حمایت از بهداشت یا اخلاقیات، یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران لازم باشد، جایز می‌شمارد. از مفاد مواد ۵۵ تا ۶۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نتیجه می‌شود که در مرحله کشف جرم و در حین بازرسی‌ها، کنترل هویت اشخاص و توقیف، به آزادی‌ها و امنیت شخصی افراد بایستی با دیده احترام نگاه کرد. بنابراین بایستی کنترل هویت، توقیف و بازرسی‌ها مستلزم و تابع تشریفات باشند تا حقوق و آزادی‌های فردی مورد خدشه قرار نگیرد.

اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره مصوب ۱۴۱۱ ه.ق نیز برخی مواردی را که هنگام کشف جرم و بازرسی‌ها بایستی مد نظر قرار داد، مورد شناسایی قرار داده است. اعلامیه در ماده هجدهم خود اعلام می‌دارد: ۱- هر انسانی حق دارد که در امور

زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او یا مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و بایستی از او در مقابل هر گونه دخالت زورگویانه در این شئون حمایت شود. ۲- مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنان آن یا به صورت غیر مشروع وارد آن شد، و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنانش را آواره نمود.» در واقع این ماده اصل منع بازرسی و تجسس در مرحله کشف جرم را مورد شناسایی قرار داده و اعلام می- نماید که نبایستی خودسرانه افراد را مورد بازرسی و توقیف قرار داد یا آزادی آن‌ها را با اشکالی چون کنترل هویت محدود نمود و این موارد به خوبی از مفاد مواد مزبور اعلامیه قابل استنباط است.

پیشنهادها

۱. با عنایت به اینکه قانون‌گذار در قانون به صراحت در خصوص بازرسی وسایل نقلیه اشاره‌ای ندارد، بنابراین شایسته است این نقیصه نیز در لایحه جدید آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی گردد.
۲. در ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری در دو مورد اجازه شنوده‌های تلفنی را داده است: یکی اینکه موضوع به امنیت کشور مربوط باشد و دیگری اینکه به نظر قاضی برای احقاق حقوق اشخاص ضروری تشخیص داده شود، نکته جالب توجه در تبصره مذکور این است که با توجه به ابهام واژه «امنیت» و واگذاری تشخیص «ضروری بودن» به قاضی بدون وضع هرگونه قاعده‌ای از طرف قانون‌گذار در این خصوص، احتمال اعمال سلیقه- های شخصی و تضییع حقوق افراد وجود دارد و ممکن است با موازین حقوق بشر و مقررات قانونی اساسی نیز مغایرت پیدا کند. از این رو، شایسته است قانون‌گذار در اصلاحات بعدی از موارد مذکور ابهام زدایی نماید.
۳. بازرسی بدنی که اغلب در ارتباط با افراد دستگیر شده و متهمان رایج است، در صورتی که به موجب قانون نباشد، از جمله مواردی است که آزادی و

امنیت شخصی افراد را مخدوش می‌نماید، زیرا بازرسی بدنی یکی از موارد نقض حریم خصوصی جسمانی افراد به حساب می‌آید. حریم خصوصی جسمانی به صراحت در قانون اساسی بیان نشده و تنها با تفسیر واژه‌های چون «حیثیت» و «جان» مذکور در اصل ۲۲ قانون اساسی، می‌توان حریم خصوصی جسمانی را مشمول حمایت‌های قانون اساسی دانست. بنابراین شایسته است قانون‌گذار در لایحه جدید آیین دادرسی کیفری طرح حمایت از حریم خصوصی جسمانی را پیش‌بینی نماید تا خلاء قانونی سبب نقض حقوق شهروندی از سوی مقامات قضایی و ضابطان دادگستری نشده و بلا تکلیفی آنان را نیز در نوع برخورد با متهمان را در بر نداشته باشد.

۴. در حال حاضر نیز تا قبل از پیشنهاد و تصویب هرگونه قانون اصلاحی بعدی، پیشنهاد می‌گردد نیروی انتظامی با هماهنگی مقامات قضایی تلاش‌هایی را انجام دهند، تا وحدت رویه‌ای در زمینه ایست و بازرسی خودروها توسط مأموران نیروی انتظامی ایجاد شود، که سبب تضییع حقوق اشخاص نگردد.
۵. مسائل حقوقی بازرسی بدنی، بازرسی وسائط نقلیه، بازرسی مکاتبات و مخابرات اشخاص هرکدام به صورت جداگانه به عنوان کارگاه‌های آموزشی برای کارکنان اجرا شود تا بتوان میزان اطلاعات حقوقی کارکنان را به سطح مطلوب رساند.

- آخوندی، محمود (۱۳۸۰ و ۱۳۷۷). آیین دادرسی کیفری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد ۲ و ۴.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸). مجموعه قوانین و مقررات حقوق شهروندی و منشور حقوق زنان (۱۳۸۴)، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- پوینده، محمد جعفر (۱۳۷۸). ترجمه کتاب اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، چ ۴.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۰). ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ پنجم، شماره ۶۰۴.
- رضوی، محمد (۱۳۸۰). نقش نیروی انتظامی به عنوان ضابطان دادگستری؛ تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۷۵). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر؛ انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲.
- عمید، حسن (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی عمید؛ تهران: امیر کبیر، چاپ هفدهم.
- قرآن کریم.
- کاتوزیان، دکتر ناصر (۱۳۶۴). حقوق مدنی، عقود معین؛ انتشارات بهنشر چاپ ۱ جلد ۱.
- محمد ابراهیم انصاری لاری (۱۳۸۱)، نظارت بر مطبوعات در حقوق ایران؛ نشر دادگستر.
- ویلیام شبت (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی؛ ترجمه سید باقر میر عباسی و حمید الموائی نظری، تهران: انتشارات جنگل.